

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

توماس فریدمن

فرستنده و افزاینده کاریکاتور: بابک آزاد

۰۳ دسمبر ۲۰۱۳

آه برادر! برادر بزرگ باز می گردد،



توماس فریدمن



خلاف متحدین مان، ما(امریکائی ها) معتقدیم در ایران سیاستی واقع گرایانه جاری است و تفاوت هائی در درون رهبری رژیم و تفاوت های بین رژیم و مردم وجود دارد. اما به خاطر منزوی شدن ایران در جهان این تفاوت ها سرکوب شده اند و تندروها قدرت بیگانه کشور شده اند.

برگردان از: خبرنگار گویا

نیویورک تایمز: دوبی، امارات متحده عربی - من هیچگاه در یک زمین لرزه بزرگ نبوده ام اما با گذراندن سه هفته در عربستان سعودی و امارات متحده عربی می دانم بودن در چنین زمین لرزه ای چه حسی دارد. توافق میان مدتی که در ژنیو بین قدرت های جهان - به رهبری امریکا- و ایران بر سر کاهش نسبی تحریم ها در ازای محدود کردن برخی از فعالیت های هسته ئی ایران انجام شد - که قرار است در آینده به مذاکراتی بر سر لغو کلیه تحریم ها علیه ایران در برابر از بین بردن توان ساخت بمب اتمی در این کشور انجام شود- در جهان عرب سنی (و اسرائیل) زمین لرزه ای ژئو

پولیتیک ایجاد کرده است. در صورت رسیدن به توافق نهائی اثرات این اقدام از هر رویدادی در این منطقه از زمان معاهده کمپ دیوید و انقلاب ۵۷ در ایران که نقشه منطقه را تغییر دادند، بیشتر خواهد بود.

چرا؟ با بیانی احساسی می توان گفت ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ مانند برادر بزرگتری بود که از خانه بیرون رفت و در را پشت سرش کوبید. همه اعضای این خانواده به بیرون بودن این برادر عادت کرده بودند. یک نفر اتاق خوابش را گرفت. دیگری دوچرخه اش را برداشت و همگی از توجه ویژه عمو سام - برای ۳۴ سال- خوشنود بودند. اکنون تنها این فکر که برادر بزرگ یعنی ایران دوباره به این جمع خواهد پیوست و روابط مستقیم خودش با ایالات متحده را خواهد داشت، همه متحدین سنی عرب امریکا - عربستان سعودی، کشورهای حاشیه خلیج فارس، مصر و اردن- را خشمگین کرده است به خصوص در شرایطی که ایران دخالت هائی زیان بار در سوریه، لبنان، بحرین و یمن دارد.

ریشه های این عصبانیت را می توان همه جا از بمب گذاری هفته گذشته جلوسفارت ایران در بیروت که به کشته شدن ۲۳ نفر منجر شد تا مقاله یکی از مهمترین روزنامه نگاران جهان عرب حوزه خلیج فارس، عبدالرحمن الراشد در روزنامه الشرق الاوسط دید. وی در این مقاله با لحنی هشدار دهنده می نویسد: "از دیدگاه های تئوریک، سیاسی و نظامی عربستان سعودی باید خود و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را از خطر برنامه اتومی ایران چه با داشتن سلاح هسته ئی چه با توافقاتی که توازن قوای منطقه ئی را برقرار می کند، حفظ کند."

این مسأله لایه های مختلفی دارد. ایران بزرگ است و ۸۵ میلیون جمعیت دارد. عربستان سعودی کوچک است و تنها ۲۰ میلیون جمعیت دارد. عربستان بزرگترین منابع نفت و گاز خاورمیانه را دارد و ایران در جایگاه بعدی قرار گرفته است. اگر تحریم ها روزی لغو شوند آیا ایران بازار کشورهای حوزه خلیج فارس را خواهد گرفت؟ کشورهای حوزه خلیج فارس سنی هستند و ایران شیعه است. ایرانی ها تکنولوژی هسته ئی را بومی کرده اند ولی اعراب فاقد چنین توانی هستند.

توافقات ژنیو نشان دهنده تفاوت منافع امریکا و متحدین منطقه ئی اش در برابر ایران است که تا کنون در نظام تحریم ها پنهان مانده بود. تحریم در تمام این سال ها باعث شده بود گروه های مختلف با منافع مختلف - ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی، کشورهای حوزه خلیج فارس، اروپا، روسیه، چین- به گفته دانیل برومبرگ، استاد دانشگاه جورجیا تاون و کارشناس مسائل خاورمیانه در مؤسسه صلح ایالات متحده (USIP): " اینطور نشان دهند که نظراتی یکسان درباره برنامه اتومی ایران دارند، درحالی که کسی به هدف نهائی مذاکرات و نقشی که تحریم ها می تواند در رساندن یا نرساندن ما به آن بازی کند، توجهی نمی کرد."

اگر ایالات متحده می خواهد روابطش با این کشورها را حفظ کند و اطمینان حاصل کند که برنامه هسته ئی ایران باعث بی ثباتی در منطقه نمی شود، توافقات مقدماتی و نهائی باید توافقات قابل قبولی باشند. تحریم ها تنها زمانی باید حذف شوند که بتوان ایران را متقاعد کرد که از سوخت اورانیوم غنی شده اش و تکنولوژی غنی سازی اش دست بردارد. علاوه بر این ایران باید بازرسی های سرزده را که دستیابی ناگهانی به سلاح هسته ئی را برایش غیرممکن می کند، نیز بپذیرد.

اما حتا اگر ایرانیان چنین توافقی را بپذیرند، قبولاندن آن به متحدان امریکا کار آسانی نخواهد بود. مقامات امریکائی معتقدند که نهایتاً تنها راه خنثی سازی خطر اتومی ایران در منطقه، خنثی کردن همزمان برنامه هسته ئی این کشور و تغییر ماهیت رژیم این کشور است و این دو مسأله به هم مربوط هستند. خلاف متحدین مان، ما(امریکائی ها) معتقدیم در ایران سیاستی واقع گرایانه جاری است و تفاوت هائی در درون رهبری رژیم و تفاوت های بین رژیم و مردم وجود دارد. اما به خاطر منزوی شدن ایران در جهان این تفاوت ها سرکوب شده اند و تندروها قدرت یگانه کشور شده اند.

مقامات امریکائی معتقدند اگر بتوانیم توافقی بی نقص با ایران داشته باشیم که بتواند ایران را دوباره به اقتصاد جهانی وارد کند، می توان امیدوار بود که گروه های ذینفع مختلف - شامل گروه هائی که تمایل بیشتری به ارتباط با امریکا و غرب دارند- در داخل ایران قدرتمند شوند و شروع به تغییر ماهیت رژیم کنند.

ممکن است این راه حل عملی نباشد اما به قمار کردنش می ارزد چرا که تنها راه امنیت واقعی همسایگان ایران، تغییرات تدریجی در ماهیت رژیم است. بنابراین اگر توانائی های هسته ئی ایران محدود شود می توان به تغییر تدریجی در درون رژیم امیدوار بود، به خصوص از آنجائی که این امر می تواند پایانی برای جنگ سرد ایران و امریکا را ممکن کند. جنگ سردی که همکاری های بین دو کشور بر سر مسائل منطقه ئی را مختل کرده است. در مقابل، متحدین ما به ایران به کلی بی اعتماد هستند و به همین دلیل به تغییرات تدریجی اعتقاد ندارند. آنها می خواهند ایران تمام توان هسته ئی اش را از دست بدهد تا زمانی که رژیم این کشور تغییر یابد.

ما نمی توانیم این شکاف را ببندیم. ما تنها می توانیم با صریح بودن درباره اهدافمان این شکاف را مدیریت کنیم: آزاد سازی سیاسی در ایران تا آنجا که ممکن است در عین محدود کردن برنامه هسته ئی اش تا سر حد امکان در حالی که به حمایت از متحدین عرب و اسرائیلی مان ادامه می دهیم. این امر دلیل آن است که ما علاوه بر جان کری، وزیر امور خارجه به یک "وزیر امور خارجه برای خاورمیانه" نیز نیاز داریم زیرا احیای روابط ایران و ایالات متحده پس از جنگ سردی ۳۴ ساله چنان شوک سنگینی به خاورمیانه وارد می کند که نیازمند همکاری روزانه و حمایت و پشتیبانی جدی از متحدین عرب و اسرائیلی مان است.